



## درس فقه استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

موضوع کلی: نکاح

تاریخ: ۲۵ فروردین ۱۳۹۸

موضوع جزئی: مسأله ۱۴- تکمله: راههای دیگر جلوگیری از بارداری- الف) راههایی که موجب عقم نمی‌شوند

مصادف با: ۸ شعبان ۱۴۴۰

دسته دوم: بعد از انعقاد نطفه (راه دوم)- بررسی حکم فقهی راه دوم از جهات مختلف

جلسه: ۹۵

سال اول

### «الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهرین و اللین علی اعدائهم اجمعین»

#### خلاصه جلسه گذشته

بحث ما درباره راه دوم از راههایی است که برای جلوگیری از تکون فرزند مورد استفاده قرار می‌گیرد، ولی بعد از انعقاد نطفه مورد استفاده است یعنی روش IUD. عمده نظر در این طریق معطوف به آن است که طبق این روش بعد از انعقاد نطفه فعل و انفعالاتی صورت می‌گیرد که نطفه از بین می‌رود. منتهی این طریق قبل از آن که نطفه لانه‌گزینی کند و به جداره رحم متصل شود کار خودش را انجام می‌دهد. البته فرق آن با روش اول این است که در روش اول - یعنی استفاده از برخی از داروها - احتمال این وجود دارد که نطفه را بعد از انعقاد از بین ببرد ولی طبق این روش، این امر بالاتر از احتمال است و اساساً طبق این روش تنها کاری که صورت می‌گیرد از بین نطفه است.

#### نظر برخی کارشناسان درباره کارکرد IUD

اینجا برخی برای این روش چند کار تعریف کرده‌اند. اینکه آیا این روش یک منظوره است یا چند منظوره، امری است که متخصصین باید درباره آن نظر دهند و من صرفاً برای اینکه با انظار دیگر آشنا شوید این را بیان می‌کنم. غالباً در مورد کارکرد روش IUD همان را می‌گویند که عرض کردیم که در واقع کار IUD این است که نطفه‌ای را که منعقد شده، در فضای رحم، قبل از اتصال به جداره رحم از بین ببرد. اما برخی گفته‌اند محتمل است که از همین روش IUD کارهای دیگری هم سر بزنند. گفته‌اند ساز و کار IUD احتمالاً از یکی از این راه‌هاست.

۱. جلوگیری از رفتن اسپرم به قسمت‌های فوقانی کانال دستگاه تناسلی. این همان کاری است که ما در دسته اول راه‌ها برای بعضی از داروها ذکر کردیم؛ اما این کار را هم بعضی به عنوان عملکرد IUD ذکر کرده‌اند.

۲. جلوگیری از لقاح.

۳. مهار انتقال تخمک.

۴. جلوگیری از کاشته شدن تخمک در آندومتر که امروزه این نظریه کمتر مطرح است. آندومتر همان دیواره داخلی رحم است. این نظر بعضی از متخصصین است ولی غالباً می‌گویند: کار IUD ایجاد اختلال در اتصال و چسبیدن نطفه منعقد به جداره رحم است. طبق این نظر، این به عنوان احتمال مطرح است؛ در حالی که سه احتمال دیگر هم در مورد روش کار IUD وجود دارد.

به هر حال ما بنا را بر این می‌گذاریم که عملکرد و کارکرد IUD همین احتمال اخیری است که در این تحلیل بیان شده است؛ یعنی می‌گوییم صرفاً کارش این است که جلوی چسبیدن نطفه منعقد را به دیواره رحم می‌گیرد. ما بر این اساس و با این پیش فرض می‌خواهیم این روش را بررسی کنیم و الا اگر پیش فرض ما این باشد که IUD نیز یک روشی است که در آن احتمالات متعدد وجود دارد و یک احتمال این است که از این مکانیزم پیروی کند که جلوی چسبیدن نطفه را به دیواره رحم بگیرد این مانند روش اول بوده و همان حکم را دارد.

پس عنایت داشته باشید که پیش فرض ما در بررسی این روش آن است که کارکرد این روش فقط این است که بعد از انعقاد نطفه کاری می‌کند و التهاباتی در درون رحم ایجاد می‌کند که مانع چسبندگی آن به جداره رحم می‌شود. ما بر این اساس این روش را بررسی می‌کنیم.

عرض کردیم در بررسی حکم استفاده از این روش به چند جهت باید توجه کرد.

### **بررسی حکم استفاده از IUD**

#### **۱. از جهت صدق عنوان سقط جنین**

یکی اینکه آیا عنوان سقط جنین بر استفاده از روش IUD منطبق هست یا نه. عرض کردیم به نظر می‌رسد این عنوان اینجا صادق نیست و الشاهد علی ذلک که در روایت اسحاق بن عمار اساساً از بین بردن نطفه خود موضوع برای یک حکم مستقلی قرار داده شده است. در آنجا سائل سؤال کرده که اینکه چیزی نیست؛ یعنی هنوز بچه‌ای تشکیل نشده است. امام (ع) فرمودند: اولین چیزی که خدا خلق می‌کند نطفه است. علاوه بر این ما قبلاً هم اشاره کردیم که دیه گاهی بر عنوان نطفه و گاهی بر عنوان جنین قرار داده شده و مقدار اینها متفاوت است. در برخی روایات دارد که دیه جنین یک دهم دیه انسان کامل است، در حالی که در همین روایات دیه نطفه یا دیه آن چیزی که در درون بطن قرار دارد و انداخته می‌شود - تا یک زمان خاصی مثلاً چهل روزگی یا قبل از چهار ماهگی - کمتر از این مقدار است. لذا نفس تفاوت دیه‌ها و اینکه دیه‌ای که برای عنوان جنین قرار داده شده با دیه‌ای که برای نطفه قرار داده شده متفاوت است، این شاهد بر آن است که اینجا مسلماً عنوان جنین و سقط جنین صادق نیست. لذا اینکه برخی از طریق ادله حرمت سقط جنین می‌خواهند حرمت استفاده از روش IUD را اثبات کنند، به نظر می‌رسد که این تمام نیست.

به علاوه، در برخی از کتب فقهی آقایان مبادرت به تعریف جنین کرده و گفته‌اند جنین عبارت است از آن موجودی که در شکم قرار دارد و روح در آن دمیده شده است. در بعضی از کتب فقهی اساساً مبدأ صدق عنوان جنین را بر آن موجود داخل در شکم مادر، ولوج روح قرار داده‌اند؛ یعنی کأن قبل از این، عنوان جنین صدق نمی‌کند. عنوان نطفه داریم، علقه، مضغه داریم؛ این خودش می‌تواند شاهد و مؤید این باشد که ما اساساً از این زاویه نمی‌توانیم این مسأله را بررسی کنیم. یعنی ادله سقط جنین را بیاوریم و بگوییم این ادله سقط جنین را حرام کرده و اینجا هم این کار مصداقی از سقط جنین است، پس حکم به حرمت کنیم. به نظر می‌رسد این صحیح نیست. لذا ما این عنوان را کنار می‌گذاریم که از این زاویه بخواهیم حرمت را ثابت کنیم.

#### **۲. از جهت از بین بردن نطفه**

ولی خود عنوان از بین بردن نطفه، به جهت روایت اسحاق بن عمار بعید نیست که حرام باشد. یعنی به استناد این روایت و برخی روایات مشابه که حتی دیه برای این کار قرار داده‌اند، بعید نیست که مُشعر به این معنا باشد که این روش مشروع نیست. اما به غیر از مسئله عنوان سقط جنین و به غیر از خود عنوان از بین بردن نطفه که مستقلاً موضوع در برخی از ادله قرار گرفته، باید دید به اعتبار برخی مقارنات می‌توانیم بگوییم این کار حرام است یا نه.

اموری که اینجا ممکن است سبب حکم به حرمت شود چند عنوان است. آن عناوینی که مقارن با این کار عارض می‌شود، یکی عنوان نظر است و دیگری عنوان لمس است و سومی عنوان ضرر است. البته عنوان ضرر فرق نمی‌کند که در این دسته از کارها صدق می‌کند که باعث از بین رفتن نطفه می‌شود یا در دسته اول که اساساً قبل از انعقاد نطفه عمل می‌کند. حتی اگر عنوان ضرر در آن دسته از راه‌ها هم ثابت شود، ممکن است کسی قائل به حرمت شود. ما این را بعداً بررسی می‌کنیم که مسأله ضرر و اضرار به نفس اساساً آیا حرام است یا نه. اضرار به نفس و ضرر رساندن آیا جایز است یا خیر. اگر کلیت این ثابت شد، آن وقت باید ببینیم در این روش این ضرر تحقق دارد یا نه تا نتیجه بگیریم حرمت را. به عبارت دیگر در مسأله ضرر هم ما نیاز به یک بحث کبروی داریم که آیا اساساً اگر یک کاری موجب ضرر باشد حرام است یا نه فارغ از مصداق. یک بحث صغروی هم داریم که آیا مثلاً روش I U D موجب ضرر هست یا نه. یا حتی آن داروهایی که برخی از بانوان برای پیشگیری از بارداری استفاده می‌کنند، خود اینها موجب ضرر هست یا نیست. لذا در مورد ضرر بحث کمی مبسوط‌تر است؛ هم یک بحث کبروی باید مطرح شود و هم یک بحث صغروی.

### ۳. از جهت نظر به عورت

اما راجع به نظر؛ اصل حرمت نظر به عورت زن مسلم است. وقتی می‌گوییم عورت، برای یک زن تارة عورت به معنای عام مورد نظر است که تمام بدن او را به غیر از مواردی که استثنا شده، شامل می‌شود و این اصطلاح عام است. نظر به موی سر و تمام بدن زن نامحرم حرام است، به غیر از وجه و کفین؛ این در جای خودش ثابت شده است. البته ما در ادامه بحث نکاح یکی از مسائل مهمی که تعقیب خواهیم کرد، همین بحث نظر است؛ اینکه کجا جایز است و کجا جایز نیست. این خودش یک بحث‌هایی دارد، مثل بحث نگاه کردن به عکس، نگاه کردن به تصویر در تلویزیون یا سینما یا فیلم‌هایی که در شبکه‌های اجتماعی منتشر می‌شود. بحث نظر و ملحقات بحث نظر، بحثی است که در آینده نزدیک وارد آن خواهیم شد که بحث مهم و مبتلابه است. چون ما این را تفصیلاً در آینده مورد بررسی قرار خواهیم داد، در اینجا به اجمال و به سرعت از آن می‌گذریم.

سؤال:

استاد: حتی مسلمان عجزه... الان در همین روستاها حجاب زنان روستایی در مناطق مختلف فرق می‌کند. آنها یک حجاب متعارف دارند؛ مثلاً در حجاب متعارف آنها بخشی از موی زنان بیرون است. اینها همه در بحث نظر خواهد آمد.

سؤال:

استاد: ما وقتی می‌گوییم نامحرم فرق نمی‌کند مسلمان باشد یا غیرمسلمان. نامحرم یعنی زنی که نظر به او جایز نیست. زنانی که نظر به آنها جایز نیست، یک عده از آنها مسلمان هستند؛ مسلمانان چند صنف هستند:

۱. زن مسلمان متدین که کاملاً مراقب است که حتی یک تار موی او بیرون نباشد ولی ممکن است در یک شرایطی قرار گیرد یا مثلاً حواسش نباشد و یک موی او یا قسمتی از بدن او نمایان شود، آیا نظر به او جایز است یا نه.

۲. زنان مسلمانی که سن آنها بالاست و بیرزن شده‌اند، آیا نظر به اینها جایز است یا نه.

۳. زنان مسلمانی که در مناطقی زندگی می‌کنند و یک حجاب خاصی دارند که پوشش شرعی و آن مقداری که باید از سر و بدن را بپوشانند، نمی‌پوشانند.

۴. زنان مسلمانی که لا ابالی هستند، همین زنانی که الان بی‌حجاب هستند و مسلمان هم هستند.

۵. آخرین مورد هم زنانی هستند که اصلاً مسلمان نیستند. وقتی می‌گوییم نامحرم، یعنی آن کسی که علقه زوجیت و نسب در او وجود ندارد و شما حق ندارید به او نگاه کنید. عنوان محرم و نامحرم یعنی چه؟ اگر یک کسی خودش رعایت نمی‌کند و معتقد نیست، محرم می‌شود؟؟ اینها با هم ملازم نیستند؛ مسأله محرم و نامحرم یک چیز است و آن چیز دیگری است.  
سؤال:

استاد: مثلاً می‌گویند النظر الی غیر المسلمة جایز؛ لآنهن اذا نهین لا ینتهین. وقتی به او می‌گویی حجاب را رعایت کن، اصلاً گوش نمی‌دهد. این نظری که می‌گویند جایز است، این نظر من غیر شهوة و من غیر ریبة است؛ نه اینکه چشم بدوزد و بگوید نظر جایز است. نامحرم یعنی اینکه این زن اجنبیه است. هر زنی که علقه زوجیت با او نداشته باشد یا نسب نباشد، این اجنبیه می‌شود؛ چه دخترعمو باشد یا دخترعمه باشد یا آن زنی باشد که در آمریکا زندگی می‌کند.  
سؤال:

استاد: این عنوان نامحرم یک عنوان عامی است که شامل هر زنی می‌شود که از این علاقات بیرون باشد. اما اینکه حکم آن چیست و آیا نظر به اینها جایز است یا نه، اینجا صنوف مختلفی وجود دارد که باید یک به یک اینها را بررسی کنیم. به هر حال آنچه مسلم است آن است که نظر به زن مسلمان به غیر از مواضعی که استثنا شده جایز نیست؛ یعنی مرد اجنبی نمی‌تواند به زن نگاه کند. اگر این زن برای معالجه بخواهد به یک طبیبی مراجعه کند که آن طبیب بخواهد نگاه کند، اجمالاً می‌توان گفت که تا ضرورتی پیش نیامده، این کار جایز نیست.

روایات متعددی بر این امر دلالت می‌کند از جمله صحیحہ ابی حمزہ ثمالی است: «عَنْ أَبِي حَمَزَةَ الثَّمَالِيِّ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (ع) قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنْ الْمَرْأَةِ الْمُسْلِمَةِ يُصِيبُهَا الْبَلَاءُ فِي جَسَدِهَا إِمَّا كَسْرٌ وَإِمَّا جُرْحٌ فِي مَكَانٍ لَا يَصْلُحُ النَّظْرُ إِلَيْهِ». می‌گوید درباره زن مسلمانی سؤال کردم که یک گرفتاری پیدا کرده و بدن او مبتلا به یک مشکلی شده است. شکستگی یا جراحی در جایی از بدن او ایجاد شده که نظر به آن جایز نیست؛ مثلاً روی دست او نیست بلکه روی بازوی اوست، یا روی سینه و پشت اوست. بالاخره در یک مکانی است که نظر مرد به آن جایز نیست. «يَكُونُ الرَّجُلُ أَرْفَقَ بِعِلَاجِهِ مِنَ النِّسَاءِ»، اما سزاوارتر این است که برای معالجه یک مرد او را ببیند. اینجا برای معالجه و آن هم کأن امر دایر است بین اینکه اگر این بخواهد خوب شود و بهبود پیدا کند، یک طبیب مرد باید او را ببیند. طبیب زن هست ولی به اندازه این طبیب مرد قابلیت و شایستگی برای علاج ندارد. «أَيَصْلُحُ لَهُ النَّظْرُ إِلَيْهَا»، آیا این مرد می‌تواند به او نظر کند؟ «قَالَ (ع): إِذَا اضْطُرَّتْ إِلَيْهِ

فَلْيُعَالَجَهَا إِنْ شَاءَتْ»<sup>۱</sup>، اگر این زن اضطرار پیدا کند به علاج این مرد، آن مرد می‌تواند او را علاج کند؛ البته اگر رضایت داشته باشد.

نکته این است که نمی‌گوید اصلاً زن نیست، بلکه می‌گوید زن هم هست و می‌تواند معالجه کند؛ اما مهارت آن طبیب مرد بیش از زن است. یعنی واقعاً یک دکتری است که انسان با اطمینان خاطر می‌تواند به علاج او تکیه کند. اینجا امام (ع) می‌فرماید اگر زن به آن طبیب نیاز ضروری داشته باشد و حالت اضطرار داشته باشد، آن مرد می‌تواند این زن را درمان کند؛ البته در صورتی که خود زن بپذیرد و اجازه دهد. ظاهر این روایت آن است که نظر جایز نیست، مگر برای علاج و آن هم به شرط ضرورت، یعنی دکتر و طبیبی که بتواند این کار را با مهارت انجام دهد در بین زنان نباشد.

سؤال:

استاد: این چیزی است که عرف می‌فهمد. درست است که ممکن است علاج نکردن منجر به از بین رفتن جان او نشود ولی بالاخره یک نقص و اشکالی در او باقی می‌ماند. حکم شرعی کاری به مصادیق ندارد؛ می‌گوید در این شرایط مجاز است. اما اینکه آیا واقعاً این طبیب مرد ارفق بالعلاج است یا نه، اینها چیزهایی است که باید با تحقیق و پرسش و مشورت معلوم شود. یک جا هم ممکن است اشتباه کند؛ این اشکالی ندارد. اگر اشتباه در مصداق کند، این از نظر شرعی معذور است. چون می‌دانسته که نباید پیش مرد برود و در عین حال ضرورت داشته و همه گفته‌اند که دکترهای زن در این رشته به خوبی آن طبیب مرد نیستند، هرچند در واقع دکتر زن بهتر بوده است.

سؤال:

استاد: با مشورت و پرسش اینها معلوم می‌شود؛ اینها با اشتها و شیوع معلوم می‌شود. مثلاً همه مردم یک محله می‌گویند فلانی دکتر خوبی است و فرض هم بر این است که این به تجربه ثابت شده است. اینها بحث‌هایی است که می‌شود در آن چندین فرض تصویر کرد. کلیت مسأله همان است که ما عرض کردیم؛ اما اینکه آیا این واقعاً بهتر است یا نه و در واقع ارفق از او هست یا نه، اینها چیزهایی است که باید با بررسی معلوم شود. در مورد مرجع اعلم هم که می‌گویند تقلید اعلم واجب است، راه نشان داده‌اند. پرسش و جستجو از اهل علم.

علی‌ای حال اصل نظر مرد به زن حرام است. نظر به عورت به معنای خاص هم که برای زن هم حرام است. نظر به عورت زن دیگر حتی از ناحیه محارم و یا یک زن جایز نیست. اینها بحث‌هایی که در باب نظر مطرح خواهد شد. این روایت را هم چون به خصوص درباره علاج و مسأله طبابت بود عرض کردم. می‌خواهیم ببینیم آیا این عنوان در اینجا اگر محقق شد موجب حکم به حرمت استفاده از روش IUD می‌شود یا نه.

«والحمد لله رب العالمین»

<sup>۱</sup>. وسائل الشیعة، باب ۷۶ از ابواب مقدمات نکاح، ح ۱.